

سرمایه فرهنگی

محمود مهدی پور

بزرگ‌ترین سرمایه

تربیت افراد و تشکیل جامعه ایمانی هدف عالی پیامبران الهی است. هرچه ایمان استوارتر، عمیق‌تر، و قلمرو آن گسترده‌تر باشد، بشر سرمایه بیش‌تری دارد و از غنای بیش‌تری برخوردار است. پیامبران آمدند تا انسان را طبق موازین الهی آموزش دهند و تربیت کنند و به او ایمان و عمل صالح را بیاموزند.

شناخت و عقیده به خدا، شناخت و عقیده به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، شناخت امام زمان علیه السلام و اطاعت و بیعت با آن

بزرگوار و شناخت قرآن، لازم‌ترین آگاهی‌های مورد نیاز در زندگی انسانی و ایمانی است. بشریت بدون معرفت خدا و قرآن و امام عصر علیه السلام در جاهلیت زندگی می‌کند؛ گرچه تاریخ تولدش در قرن بیست و یکم باشد. البته شناخت، مقدمه تحول در اخلاق و رفتار انسانهاست. از «انسان» تا «مؤمن» فاصله‌ای از زمین تا آسمان است و طی کردن این فاصله تنها با تمسک به قرآن و توسل به عترت امکان‌پذیر می‌باشد. وظیفه عالمان دین در یک سخن «شناخت درست دین»،

این سخن مولا، فقر و غنا را در سطح فقر و غنای فرهنگی مورد توجه قرار داده است و بزرگ‌ترین سرمایه فرهنگی را قرآن می‌داند. طبعاً بزرگ‌ترین خدمت به بشریت، تلاش برای بهره‌مندی همه، از این سرمایه آسمانی است.

امام علی علیه السلام قرآن را نه تنها غذای روح انسان، بلکه «دارو و درمان» بیماریهای روانی جامعه می‌داند و یادآور می‌شود: «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَي لَأَوْأِيكُمْ؟» برای بیماریهاتان از آن شفا بخواهید و در برابر سختیها از آن کمک بگیرید.»

امروز هم مشکل اصلی بشریت، مشکل اقتصادی نیست، مشکل بهداشت و درمان نیست، مشکل عقب ماندگی صنعتی نیست؛ مشکل بشریت، مشکل فرهنگی و فرهنگ مشکل آفرین است. فقر بشریت، فقر بینش قرآنی و انبیائی است. از نگاه علوی علیه السلام بزرگ‌ترین درد انسانها «کفر» و «نفاق» و «غی» و «ضلال» است

معرفی دین و تلاش برای اجرای احکام دین در زندگی فرد و جامعه است.

عالمان دین مرزبان فرهنگ پیامبران خدایند. اگر فرهنگ را غذای روح انسانها بدانیم، قرآن مائده آسمانی برای همه انسانهاست. بزرگ‌ترین رسالت عالمان دین، ایجاد پیوند بین گرسنگان فرهنگی جهان و این سفره پر برکت آسمانی است. تلاوت قرآن، تعلیم قرآن، حفظ قرآن، تفسیر قرآن، تبیین قرآن، شبهه زدایی از قرآن، تدبیر در قرآن، انس با قرآن، ترجمه قرآن و استنباط و اجتهاد در آیات قرآن و تربیت مربیان قرآنی و عرضه معارف آن متناسب با سطوح گوناگون سنی و علمی، مهم‌ترین وظیفه حوزه‌های علوم اسلامی است.

این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَيْبٍ!» بدانید هیچ کس پس از قرآن، نیاز [فرهنگی] ندارد و هیچ کس قبل از [دریافت حقایق] قرآن، بسی نیاز [فرهنگی] نیست.»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲. همان، خطبه ۱۷۶.

معصومین علیهم السلام، و ساماندهی معارف الهی براساس نیاز جامعه بشری و ترجمه آن به زبانهای مورد نیاز، از مهم‌ترین وظایف روحانیت است.

تفقه، تعلیم، تبلیغ، اطلاع رسانی، تألیف، پژوهش، مدیریت رسانه‌ها، مدیریت کتابخانه‌ها، آموزش تاریخ، معارف اسلامی، حقوق اسلامی، مدیریت کانونها و مجامع فرهنگی و حتی مدیریت و نظارت بر خبرگزاریها، جایگاه مقابله با تولد اندیشه‌های انحرافی، تکثیر اندیشه‌های انحرافی، تبلیغ اندیشه‌های انحرافی، و تجلیل و تکریم اندیشه‌های انحرافی، و اشخاص منحرف فکری به هر وسیله و در هر کجا و در هر قالب، مسئولیتی سنگین بر دوش عالمان دین است.

دیدبانی، اطلاع رسانی، تدریس، تحقیق، شبهه زدایی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی فرزندان اسلام و قرآن، شرط موفقیت عالمان دین در دفاع از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

و قرآن تنها کتابی است که این بیماریهای چهارگانه فرهنگی را درمان می‌کند.

«فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيِّ وَ الضَّلَالُ»؛ به درستی که در آن شفایی است از بزرگ‌ترین درد که کفر و نفاق و غی و ضلالت می‌باشد.

قرآن ترازوی اندیشه و اخلاق و رفتار هماهنگ با نظام آفرینش است.

هیچ سخنی بر خلاف اندیشه‌های قرآنی نباید از رسانه‌های گوناگون تبلیغ و ترویج شود و هر فکر و ایده و اخلاق و آرمانی باید بر معارف قرآن و عترت علیهم السلام عرضه شده و حق و باطل آن بدین وسیله مشخص گردد.

آموزش، تبلیغ، تقویت و انتقال «فرهنگ اسلامی» بر جامعه بشری، رسالت بزرگ عالمان دین است.

معرفی اسلام بدون هر گونه کاهش و افزایش، تبیین اندیشه‌های اسلامی، استنباط و آموزش احکام الهی، تبلیغ و ترویج اخلاق اسلامی، پیشگیری از تحریف قوانین الهی، حفظ منابع اصلی معارف آسمانی؛ یعنی پاسداری از قرآن و احادیث

و هیچ گروهی نمی‌پسندد.

ستمهای فرهنگی

ستمهای فرهنگی، از بدترین انواع ظلم در جوامع بشری است. شناخت انواع و ابعاد مظالم فرهنگی، گام بلندی به سوی اصلاح اجتماعی است. جدا کردن انسانها از فرهنگ الهی و قرآن و عترت و عقل و فطرت، بزرگ‌ترین مظالم فرهنگی محسوب می‌شود.

راستی چه کارهایی ظلم فرهنگی است؟

اهانت به پیام آوران الهی، تخریب بارگاه پیشوایان نور، اهانت به عالمان و اندیشمندان صالح و نقد غیر منصفانه آنان، تعطیل عقل و اندیشه، عدم مشاوره و همفکری و بی‌توجهی به افکار و آراء دیگران و استبداد فکری، ظلم فرهنگی است.

انکار قدرت شناخت و تشخیص عقل و توان تشخیص عدل و ظلم، انکار وحی آسمانی و ترویج عرفانهای کاذب زمینی، سکوت در برابر بدعتها، تبلیغات دروغین و سکوت در برابر آن تبلیغات، ظلم فرهنگی است. تبلیغ تفکر جبرگرایی، تمجید و تبلیغ

نشر فرهنگ اسلامی، راهکار پیشگیری از هرگونه منکر فرهنگی در سطح فردی و اجتماعی است. مصلحان فرهنگی و پاسداران انقلاب فرهنگی و مرزبانان عقاید و اخلاق و معارف اسلامی، بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه بشری ارائه می‌دهند و هر چه در تعلیم و تقویت فرهنگ اسلامی بیش‌تر کوشش شود، سلامت فرهنگی جامعه بهتر تضمین می‌گردد.

روحانیت در خط مقدم مبارزه با «منکرات فرهنگی» و نشر «معروفهای فرهنگی» است و باید دیدبان تمام رسانه‌ها باشد.

منکرات در قلمرو شناخت، جهان بینی، آرمانها و اخلاقیات و عواطف، ریشه منکرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

روحانیت امروز به صنف و طبقه اجتماعی خویش نمی‌اندیشد، به اسلام و مسلمین و بشریت و اهداف عالی الهی فکر می‌کند.

اصولاً نگاه صنفی و طبقاتی به مسائل جامعه، یک منکر فرهنگی است، و روحانیت نگاه صنف‌گرایانه را برای خود

مَظالم صدایی، ستمهای سینمایی، انحراف و فساد خبرگزاریها، رسانه‌های عمومی، همه و همه نمونه‌های ظلم فرهنگی است.

دست اندرکاران فرهنگی

صدا و سسима، مطبوعات، خبرگزاریها، و عَظاظ و گویندگان مذهبی، خطبا و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام، تولید کنندگان کالاهای فرهنگی، عالمان و استادان مراکز آموزشی حوزه و دانشگاه، شاعران و برنامه‌سازان، مدیران کانونهای فرهنگی و تبلیغاتی، نویسندگان و مترجمان، مدیران سایتها و وبلاگها و مدیران اتاقهای گفتگو و کارشناسان سایتها و کارگردانان و تهیه کنندگان و بازیگران فیلمها؛ همه و همه می‌توانند از افسران و پیشگامان میدان جهاد فرهنگی و ارتش و سپاه مرزبان عقاید و اخلاق و تاریخ و فرهنگ اسلامی محسوب شوند، یا خود در شمار یاران ارتش مهاجم فرهنگی به حساب آیند، یا در جنگ و جهاد فرهنگی بی تفاوت و بی طرف و احياناً سرگرم کننده باشند و بستر ساز مظالم فرهنگی محسوب شوند.

و مداحی اشخاص و نهادهای فاقد صلاحیت عقیدتی و علمی و اخلاقی، یأس آفرینی و نومید سازی جامعه از عدل و انصاف، تحریف تاریخ پیامبر و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، تفسیر نادرست و اژه‌های قرآنی، احکام قرآنی، و گزاره‌های قرآنی، ظلم فرهنگی است.

تبلیغ و توجیه شرک و الحاد، تبلیغ و ترویج ملی‌گرایی، قطع ارتباط مردم با عالمان دین، ممنوعیت نقل حدیث، ممنوعیت تفسیر قرآن، و نشر خرافات، ظلم فرهنگی است.

تبلیغ سکولاریزم، تحریف معنوی قرآن، تکذیب خدا، پیامبران و اوصیای آنان، مصرف بیت المال در مسابقات بی نتیجه و ورزشهای استعماری، و غفلت آفرینی، ظلم فرهنگی است.

ارزان شدن کالاهای حاوی پیام باطل و گرانی رسانه‌های ارزشی، فقط ظلم اقتصادی نیست؛ بلکه ظلم فرهنگی است. احتکار دانش، تباه سازی اسناد و مدارک ارزشمند حاوی اطلاعات سیاسی و اجتماعی، تعطیلی مدارس و کتابخانه‌ها و سینماها و مطبوعات سالم و مفید، از مظالم محسوس فرهنگی است.

کار فرهنگی، تولید نور، ذخیره سازی نور، انتقال نور، و تولید ابزارهای مناسب برای بهره گیری از نور و نیروی فرهنگی است.

کار فرهنگی، بهره گیری از خورشید، ماه، ستارگان و کانونهای نور در جوامع انسانی است؛ همانگونه که تخریب و انفجار کارخانه‌های تولید برق و بریدن سیم و کابل و شکستن دستگاههای توزیع و لامپهای نورافشان مورد نیاز مسیر عمومی و کوچه و خیابان و احتکار آن، از نمادهای روشن ظلم به جامعه است.

دنیای صوت و تصویر و متن و فیلم و مولتی مدیا، هم می‌توانند نقش سرباز پیامبران را ایفا کنند، یا در خدمت شیاطین انس و جن قرار گیرند. و وقتی غذای ناسالم فرهنگی را تولید و توزیع می‌کنند، نیروهای سواره و پیاده شیطان محسوب می‌شوند.

اگر قتل پیامبران گناهی بزرگ است، اگر تحریف معارف انبیاء گناهی بزرگ است، فتوای بدون تحقیق گناهی بزرگ است، همه بدین دلیل است که ستمهای فرهنگی بزرگ‌ترین ظلم بر

انسانهاست.

مسئولان فکر و فرهنگ جامعه، اگر صالح باشند، برترین خدمت گزاران بشری هستند و اگر فاسد شدند، خطرناک‌ترین ضربه‌ها را وارد می‌آورند و در ترازوی الهی بدترین افراد جامعه به حساب می‌آیند.

«عَنِ النَّبِيِّ ﷺ لَمَّا سُئِلَ عَنْ شَرِّ النَّاسِ قَالَ: أَلْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛ و وقتی از پیامبر ﷺ در مورد بدترین مردم سؤال شد، جواب داد: عالمان زمانی که فاسد شوند، می‌باشند».

و در حدیث دیگری فرموده است: «إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ؛ به راستی بدترین مردم نزد خداوند در روز قیامت عالمی است که از دانش خویش استفاده نکند».

معارف آسمانی و علوم زمینی و تمام کالای معرفت، برای هدایت انسانهاست و اگر از آن استفاده درست نشود، جامعه گرفتار غذاهای ناسالم می‌گردد و یا از گرسنگی می‌میرد.

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۴۲۱، ح ۹۲۱۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۲۱، ح ۹۲۱۷.

آموزش عالی؛

۵. مطبوعات و رسانه‌های صوتی، تصویری، باید پیشگامان مبارزه با مظالم فرهنگی باشند.

کوتاهی روحانیت در شناخت عمیق قرآن و عترت علیهم‌السلام، کوتاهی در رساندن معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به امت اسلامی، کوتاهی در شناخت نیازهای فرهنگی روز و راههای ورود فرهنگ بیگانه، کوتاهی در تربیت نیروهای متعهد و توانمند برای دفاع فرهنگی، از بزرگ‌ترین لغزشها و غفلتهای فرهنگی است.

جذب نیروهای مستعد و با انگیزه، هدایت و تربیت آنان، سازماندهی آنها برای آموزش فرهنگ قرآن و معصومین علیهم‌السلام و نظارت بر رسانه‌های خودی و مقابله با فرهنگ بیگانه، از مهم‌ترین تکالیف امروز حوزه‌های علوم اسلامی است که امید است حوزه‌ها با تحوّل به سوی قرآن و حدیث و نه تحوّل به سوی غربزدگی، در ایفای این رسالت سنگین موفق باشند.

شرک، بزرگ‌ترین ظلم فرهنگی است، بندگی غیر خدا، اطاعت از قوانین بشری، واگذاری حقوق الهی به انسانها و اشخاص و نهادهای بشری - چه نهادهای داخلی و چه نهادهای خارجی - نوعی شرک است که از جهل برمی‌خیزد.

﴿قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾^۱؛ بگو آیا دستور می‌دهید غیر از خداوند را عبادت کنم؟ ای گروه نادان.

چه کسانی باید با مظالم

فرهنگی مبارزه کنند؟

رهبری و فعالیت در جهاد فرهنگی کاری آسان نیست، و دین‌شناسی، دینداری، اخلاص و تلاش و آگاهی فراوان نیاز دارد. نهادهای زیر در صف مقدم جهاد فرهنگی هستند و کوتاهی و انحراف آنان بزرگ‌ترین ضربه بر پیکر فکر و فرهنگ اسلامی است.

۱. حوزه‌های علوم دین؛

۲. صدا و سیمای جمهوری

اسلامی؛

۳. مساجد و منابر و مبلغان

معارف اسلامی؛

۴. نظام آموزش و پرورش و